

سریال  
«جزر و مد»  
زیر ذره‌بین نقد  
روزنامه صبا

# از کلیشه‌های تلویزیونی تا بحران‌های فانتزی خانوادگی

زهرا طاهریان

میز نقد

سریال «جزر و مد» با ورود به شبکه نمایش خانگی، نظرات متفاوتی را برانگیخت. برخی معتقدند سریال بیشتر تقلیدی از تلویزیون است، برخی به بازتاب تفاوت‌های نسلی و بحران‌های واقعی خانوادگی توجه دارند و برخی دیگر ضعف شخصیت‌پردازی و فاصله میان روایت و زندگی واقعی خانواده‌ها را برجسته می‌کنند. در میز نقد این هفته روزنامه صبا، سه نگاه متفاوت به سریال «جزر و مد» را مرور می‌کنیم تا ببینیم این سریال تا چه حد توانسته است مخاطب خود را جذب کند یا در مسیر روایت واقعیت‌های اجتماعی و خانوادگی دچار لغزش شده است.

مینو خانی  
منتقد سینما و تلویزیون

«جزر و مد»، بازتاب احساسات  
و بحران‌های خانوادگی

به نظر شما این سریال چقدر توانسته میان  
درون‌مایه‌های خانوادگی و لایه‌های اجتماعی  
تبادل برقرار کند؟

اینکه انتظار داشته باشیم در شرایط فعلی، چه در سریال‌های تلویزیونی و چه در آثار پلتفرمی که اغلب خشن و پر از آسیب‌های اجتماعی‌اند، یک سریال نسبتاً آرام‌تر و رمانتیک بتواند به راحتی تعادل ایجاد کند، کمی زود است. اساساً به این راحتی چنین تأثیری اتفاق نمی‌افتد. چون سریال‌هایی که در یکی دو سال اخیر ساخته شده‌اند، به قدری پر از خشونت و آسیب اجتماعی بوده‌اند که یک یا دو اثر نمی‌توانند به سادگی تأثیرشان را خنثی کنند.

اما نکته مهمی که این سریال مطرح می‌کند، «تفاوت نسل‌ها» است؛ مسئله‌ای که در جامعه هم احساس و تجربه‌اش کرده‌ایم و حالا در این اثر بازتاب یافته است. این تفاوت نسلی، همان چیزی است که نشان می‌دهد مثلاً وقتی امیر می‌خواهد ازدواج کند، به حرف مادرش گوش می‌دهد و انتخابی را می‌پذیرد که خواست اوست؛ در حالی که خودش از این انتخاب آسیب دیده است. حالا وقتی نوبت به دخترش می‌رسد، دلش می‌خواهد تصمیم ازدواج کاملاً بر عهده او باشد. حتی در دیالوگی، دخترش - فکر می‌کنم اسمش نیلوفر است - خیلی راحت می‌گوید: «شما به خواست مادرتان ازدواج کردید، ولی من خودم انتخاب می‌کنم و خودم پای همه چیز هستم.»

این جمله را این روزها از خیلی‌ها می‌شنویم؛ اینکه «می‌خواهم خودم زندگی‌ام را انتخاب کنم و خودم هم پاسخگوی نتیجه‌اش باشم». پیام سریال هم انگار همین است؛ کم کردن میزان دخالت در تصمیم‌های شخصی جوانان و دادن فرصت انتخاب به خودشان. البته به نظر من، باید تعادلی در این میان وجود داشته باشد؛ نه صددرصد انتخاب اجباری و نه انتخابی کاملاً آزاد برای جوانانی که هنوز تجربه کافی ندارند.

یکی دیگر از نکات قابل توجه سریال، فضای نسبتاً لطیف و آرامی است که از طریق رابطه میان امیر و گوهر شکل گرفته است. این فضا باعث می‌شود حال و هوای خشن و پرتنش سایر سریال‌ها کمی تلطیف شود. در عین حال، سریال بخش‌هایی هم دارد که به مسائل اخلاقی می‌پردازد.

در اولین مواجهه آیا سریال، برای شما جذاب‌کننده بود؟

بله، جذاب بود. آن کشش لازم را داشت که مخاطب بخواهد ادامه‌اش را ببیند. من چون از زمان پخش عقب بودم، توانستم چند قسمت را پشت سر هم تماشا کنم و به نظرم همین ریتم آرام، باعث شد خسته نشوم. دلیلش هم این است که ذهنم از سریال‌های خشن خسته شده بود. احساس می‌کنم در این دوره، ما بیش از هر زمان دیگری نیاز به آرامش داریم.

به هر حال، آثار نمایشی روی ذهن و روح مخاطب تأثیر می‌گذارند. وقتی کسی بعد از یک روز کاری و فشارهای مختلف پای تلویزیون می‌نشیند، باید بتواند ذهنش را آرام کند.

به بحران بلوغ در سریال اشاره کردید؛ به نظر شما بحران شخصیت پرهام چقدر ریشه در واقعیت دارد و چقدر درست به تصویر کشیده شده است؟

قطعاً این بحران ریشه در واقعیت دارد. پرهام شخصیتی است که بحرانش به شکل غیرمستقیم نشان داده می‌شود. در آن یکی دو قسمتی که، از پدرش جدا می‌شود و تکرانش از احتمال جدایی والدینش بیشتر می‌شود، این بحران پررنگ‌تر به چشم می‌آید.

از ابتدا دیده‌ایم که پرهام پسری آرام و نازپرورده است. به خصوص بعد از حادثه‌ای که برای برادرش افتاده، توجه خانواده بیشتر به او جلب شده و همه چیز برایش فراهم بوده. مثلاً تولدش برایش ماشین می‌خرند؛ آن هم در سن ۱۸ سالگی، در حالی که هنوز ۱۰ ساله است، ندارد! خوب، این اتفاق در کدام طبقه از جامعه ما می‌افتد؟

همین خودش نشانه تفاوت طبقاتی است و نشان می‌دهد این بچه در چه شرایطی بزرگ شده و چقدر ممکن است از کوچک‌ترین اتفاق، بیشترین آسیب را ببیند.

اما به نظر در سریال، این بحران فقط در حد اشاره و چند دیالوگ نشان داده می‌شود، نه به صورت پررنگ

